

بسمه تعالی

بعد الحمد والصلوة

پرتوی از انوار آسمانی

این مقاله نفیس ، توسط یکی از علماء
ودانشمندان عالی مقام حوزه علمیه تهیه شده و هدف
بعث در آن غیبت‌گوییهای قرآن است که در آینده
بطور مشروح مطرح میشود .
در این مقاله ، بعنوان مقدمه مطالب مفید
و جالبی در پیرامون : فصاحت و بلاغت قرآن -
اشتمال قرآن بر فلسفه - توحید قرآن - اقتصاد
از نظر قرآن - روش عبادی اسلام - ... مورد
بعث قرار گرفته است که ذیلا از نظر خوانندگان
معترم میگردد مکتب تشیع

در کتب سیر و تواریخ متجاوز از چهار هزار (۱) معجزه برای پیغمبر آخر الزمان
حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نوشته اند که یکی از آنها قرآن کریم است
این کتاب آسمانی دارای جهات و امتیازاتی است که هر یک به تنهایی کافی
است برای آنکه انسان با انصاف را وادار بتسلیم نموده و در مقابل عظمت

و نورانیت این صحیفه ملکوتی بسجده در آورد، و لی آنچه را در این مقاله بطور شرح و تفصیل بخواست خداوند منان متعرض میشوم؛ فقط یرتوی از این انوار آسمانی و قطره‌ای از این دریای پر در الهی است. نگارنده فقط در موضوع اخبار بغیب قرآن کریم وارد شده و این مبحث را بطور شرح و تفصیل انشاء الله تعالی در سلسله تحریر درمی آورم و نسبت بسائر جهات اعجاز قرآن کریم باشاره و اختصار اکتفا میشود. اینک مقدمتاً سائز و جوه اعجاز را بطور اختصار از این قرار متذکر میشوم:

۱- فصاحت و بلاغت عجیب و خارق العاده قرآن موجب شد که دانشمندان و ادباء عرب؛ سر تسلیم فرود آورده و بنا توانی خود معترف شوند. داستان معروف (۱) و لیدبن مغیره که قرآن مجید (۲) نیز بیان اشاره فرموده و مکالمه (۳) جعفر بن ابیطالب با نجاشی؛ سلطان عدالت پیشه کشور حبشه و اعتراف نابغه ذبیانی (۴) از صدها شواهد گویائی است که تأثیر معجزه آسای قرآن کریم را تا حد بدهات روشن میکند و بحمد الله برای نگارنده این سطور میسور است که حتی برای فارسی زبانان با تحایل عمیق در اطراف نکات و ریزه کاریهای قرآن، فصاحت این صحیفه آسمانی را روشن نموده تا با چشم بصیرت مشاهده نمایند، ولی چون مقصود از این مقاله؛ شرح و طلب دیگری است، لذا بهمین مختصر اکتفا میشود.

(۱) سیره ابن هشام .

(۲) سورة الدثر قوله تعالی « ذرني ومن خلقت وحيداً و جعلت له مالا

ممدوداً و بنين شهوداً » .

(۳) سیره ابن هشام .

(۴) شرح تجرید علامه حلی .

کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

شماره اول

۱۹

پرتوی از انوار..

۲ - با آنکه قرآن ، کتاب فلسفه نیست و بمنظور هدایت و تکمیل مکارم اخلاق انسانیت نازل گردیده ، با این وصف ضمناً به بعضی از دقائق و حقائق فلسفه قدیم و جدید اشاره میفرماید که دو مورد آن برای نمونه ذکر میشود :

الف - پرچم داران الهیات و حکمة متعالیه ؛ مبادی فیض ربانیت الله تعالی بجبروت که عالم عقول است و ملکوت که عالم ملائکه است تقسیم نموده اند . قرآن مجید نیز واسطه فیض رادوسنخ موجود معرفی میفرماید (۱) و نسبت بجریان روز قیامت نیز از دوسنخ موجود اسم میبرد : یکی بنام ملائکه و دیگر بنام روح و اینکه در قرآن میفرماید (۲) که « از (حقیقت) روح از شما سؤال میکنند شمادر جواب بگو : روح از امر پروردگار من است ، ممکن است راجع بهمین روح باشد که خداوند در ردیف ملائکه ذکر فرموده ، و ممکن است تفسیر جواب ازین قرار باشد ، که خداوند به پیغمبر اکرم میفرماید : با تان بگو که روح موجودی است که بدون واسطه ؛ فقط بعنایت پروردگار من موجود شده است ، در صورتیکه سایر موجودات دارای چنین مزیتی نبوده و بتوسط اسباب و وسائط فیض ایجاد میشوند ، بنابراین تفسیر ؛ جواب سؤال بخوبی داده شده و حقیقت روح تاحدی که ممکن بوده است ، برای سائلین روشن شده است .

ب - در فلسفه جدید ؛ زوجیت اختصاص بحیوانات ندارد (۳) و ثابت

(۱) تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر (سوره قدر)

يوم يقوم الروح والملائكة صفا (سوره نبأ)

(۲) ويسئلونك عن الروح قل الروح من امر ربي وما او تيتم من العلم الا

قليلاً (سوره بنی اسرائیل)

(۳) فیزیک رنر جلد پنجم چاپ چهارم ص ۱۰

شده است که ادارهٔ عالم بقوای فاعل و قابل و مثبت و منفی صورت میگیرد. قرآن کریم این حقیقت را بطور واضح میفرماید: (۱) از هر چیز جفت ایجاد کردیم.

۳- از وجوه اعجاز قرآن که بطور اختصار ذکر میشود آنست که این کتاب آسمانی سطح معارف بشر را از بت پرستی تا توحید خالص ارتقاء داده است. پیش از نزول قرآن مردم در ظلمات شرك و بت پرستی بسر میبردند. مذاهب آبر و مند آن عصر؛ از قبیل یهودیت و نصرانیت؛ آلوده بشرك و خرافات بود. پیروان مسیح، او و مادر او و خدای زبرگ را مجموعاً خدام میدانستند. یهود برای خدای عالم پسر قائل بودند؛ دست خدارا پس از ایجاد عالم بسته میدانسته، و تسلط و اختیاری پس از ایجاد قائل نبودند، برای پیمبران مقام شامخی را که بحکم عقل سلیم؛ از لوازم نبوت است معتقد نبودند.

قرآن کریم این عقائد سخیفه را ابطال نمود و بعضی را از روی زمین بر انداخت؛ و در مقابل، توحیدی که خالص از هر گونه شرك و آلودگی بود برای تکمیل بنی آدم از عالم بالا بارمغان آورد. بدستور قرآن (۲) مسلمان

(۱) ومن کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون (الذاریات)

(۲) قل هو الله احد الله الصمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد هو الاول والاخر والظاهر والباطن - الله لا اله الا هو الحي القوم لا تأخذه سنة ولا نوم - کل من علیها فان ویبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام - قال علیها عند ربی فی کتاب لا یتزل ربی ویلا ینسی - وقالوا اتخذ الله ولداً سبحانه بل له مافی السوات والارض کل له قانتون - لا تدركه الابصار وهو یدرک الابصار - انه هو السميع البصیر - ربنا وسعت کل شیء - رحمة وعلماً ومانتسقط من ورقة الایعلمها ولا حجة فی ظلمات الارض - وهو معکم این ما کنتمم والله بما تعملون بصیر - قل اللهم مالک الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء - وما تشاؤون الا ان يشاء الله ان الله کان علیماً حکیماً .

باید معتقد بخدای یگانه باشد که همواره بوده و خواهد بود . حی و قیومی است که خواب و فراموشی بر او عارض نمیشود . نه از کسی متولد شده و نه فرزند دارد ، بلکه همه موجودات ؛ مخلوقات ازاده و مشیت اویند ، و در برابر قضا و قدر او خاضع و تسلیمند . موجودی است که چشم ، آن را درک نمیکند و خود بینا و شنوا و دانا است . دائره رحمت و احاطه اش تمام موجودات عالم را فرا گرفته حتی اگر دانه در اعماق زمین باشد یا بر کی از درخت بیفتد خداوند متعال آگاه است ، و با همه هر جا که باشند ؛ همراه است . قدرت و حکومت بدست اوست . بهر کس مصلحت بداند اعطا نموده ؛ و از هر کس بخواهد سلب میفرماید ؛ در عین اینکه قدرت و اختیار رحمت میفرماید ؛ باز تا نخواهد کسی نمیخواهد ، و بدستور قرآن ؛ (۱) مسلمان باید جز خدا را عبادت ننماید و در عبادت (۲) غرضی جز اطاعت خدا نداشته باشد ، بلکه باید در تمام امور (۳) نظری جز بمسبب الاسباب نداشته و اسباب را همه از طرف او دانسته و دنیا را لشکر (۴) حق متعال بداند .

این خلاصه ای از توحید قرآن کریم بود که در ساک تحریر در آمد

(۱) و قضي ربك الاتميدوا الاياه .

(۲) قل امر ربی بالقسط و اقيموا وجوهكم عند كل مسجد و ادعوه

مخلصين له الدين .

(۳) أفرأيتم ما تمنون أنتم تخلقونه أم نحن الخالقون أفرأيتم ما تحرثون

أنتم تزرعونه أم نحن الزارعون الخ . . .

(۴) جمله ذرات زمین و آسمان لشکر حقند پید او نهان

آب را دیدی که در طوفان چه کرد باد را دیدی که با عبادان چه کرد

و ما یعلم جنود ربك الا هو (سوره مدثر)

واگر بخواهیم سائر معارف قرآن؛ از قبیل جبر و تفویض و طبقه بندی ملائکه و شرح معاد و تأثیر اعمال در وضع عالم ماوراء الطبیعه و غیر آن را مورد نظر قرار داده و حتی بنحو اجمال در آن قلم فرسائی کنیم احتیاج بتألیف مبسوطی دارد؛ لذا برای نمونه بهمین مقدار اکتفا میشود.

۴ - متانت احکام قرآن؛ که در تمام شئون اجتماع بشری؛ فردی و اجتماعی؛ مادی و معنوی؛ تا جائیکه عقل انسانی پیش میرود کاملاً محسوس و روشن است. در این قسمت هم مانند قسمت‌های گذشته بطریق اختصار گذرانیده و باز کرد و مثال مختلف؛ مقصود تاحدی واضح خواهد شد.

الف - در این عصر، جنگ سرد - که شاید منتهی بجنگ گرم و خونین نیز بشود - ما بین دو فکر و نظریه برپاست و اغلب در نوشته‌ها و گفتارها؛ بلکه در ادبیات و اشعار؛ نیز این اختلاف شدید منعکس است. یکی مسلک اشتراکی که فعلاً طرفداران زیادی در دنیا یا بواسطه جهالت و بی شعوری و یا از باب حسادت و نظر تنگی برای خود پیدا نموده است و دیگر مسلک سرمایه داری که آنهم تابعین قوی و زیادی دارد و منطق هر دو دسته جالب و قابل مطالعه میباشد.

بلشویکی میگوید که هیچ وجدان یا منطق با عقل، بالاخره هیچ بشری نخواهد پسندید که یک نفر مثلاً هزار برابر احتیاج خود را داشته باشد و روزی هم انباشته کند و کس دیگر که مثل او بشر است و احتیاج بزندگی داشته و خود را موظف میداند که برای عائله خود نان و مسکن و لباس تهیه کند، با تلاشی که میکند فاقد ضروری ترین حوائج خود باشد.

آقای سرمایه دار که نفسش از جای گرم بیرون میآید و طبعاً بهتر

میتواند تشکیل صغری و کبری بدهد و حقایق زندگی را شاید بهتر می‌فهمد، میگوید؛ بشر بالطبع مختلف است، مثلاً يك نفر استعداد قوی دارد درس خوانده و مهندس قوی الفکری از کار بیرون می‌آید. نقشه کشیهای این شخص فرضاً در روز هزار تومان ارزش دارد و يك نفر دیگر از همین جامعه با اینکه زحمت کشیده و تلاش نموده، با این حال جز کارگری که روزی ده تومان مزد دارد از کار بیرون نیامده در این صورت نظام بلشویکی در مقابل این اختلاف ذاتی عاجز است (۱) اگر بآن مهندس بی‌نوا هم که ارزش کارش هزار تومان است همان ده تومان کارگر را بدهند، اولاً ظلم و ستم بین و ناز وائی است. ثانیاً دیگر این مهندس دنبال کار خود نمی‌رود و بالاخره نبوغ فکری پیدا نخواهد شد مگر آنکه زور دولت بر سر چنین متفکری فشار بیاورد و مانند اطفال دبستان که جدول ضرب را بدون میل و باز زحمت زیاد و تحمل فشار از بر میکنند؛ این مهندس بخت برگشته هم بزور سر نیزه نبوغ پیدا کند. این رویه شاید تا حدی عملی باشد، ولی اولاً ظلم است و ثانیاً یک جامعه انسانی بصورت پیشه حیوانات یا باغ و حش غیر منظمی مبدل می‌گردد آیا انسان عاقل يك جامعه آزادی را از دست داده و برای ارضاء حس حسادت، تن بیک حکومت استبدادی ظالمانه میدهد؟ هرگز چنین نخواهد کرد.

خوانندگان بخوبی درک میکنند که هر دو طرف درست میکنند ولی راه حل را نمیدانند و من لهم یجعل الله له نوراً قه ما من نور، یا اینکه برای بی بندوباری در شهوات نمیخواهند زیر بار دین حق بروند؛ در صورتیکه دین

(۱) انتقاد مزبور از بلشویکی حقیقی است، زیرا این بلشویکی قلابی که ملعبه دست ستمکاران است رسواتر از آن است که مورد بحث علمی واقع شود.

مقدس اسلام، همان دینی که از ماوراء سرادق ملکوت، بقلب مبارک پیغمبر اکرم و نبی محترم، محمد مصطفی (ص) نازل شده است این مشکله اجتماعی یا اقتصادی راحل کرده و قانون اسلام است که واجد فوائد سر مایه داری و اشتراکی هر دو است و در عین حال آن مضرات مهلکه شوم را ندارد. (۱)

قانون مقدس اسلام مالکیت را محترم شمرده و برای اینکه ثروت در يك محل متمرکز نشده و منتشر شود؛ قوانین متقنی از این قرار تشریح فرموده است:

۱- زکوة را بر کسانی که مقدار مخصوصی از مال و ثروت را دارا باشند واجب فرموده و از نه چیز باید زکوة بدهند: گندم؛ جو، خرما، کشمش، گاو، گوسفند؛ شتر؛ طلا، نقره؛ باشرائطی که در کتب فقه مذکور است و کسی که زندگی سالیانه خود را بتواند تأمین کند باید در عید فطر قریب سه کیلو طعام یا قیمت آن را در راه خدا بدهد. مثلاً از بیست میلیون جمعیت ایران اگر فرضاً ده میلیون واجد شرط مذکور باشند، آنگاه پانزده میلیون تومان زکوة فطره میدهند و بابت هر داری صحیح و منظم از همین يك قلم کوچک افلا هزار نفر در سال اول مرفه الحال خواهند شد. سال دیگر همین عده نیز زکوة فطره خواهند داد. شاید مراعات همین يك قلم از در آمد اسلامی باین نامه صحیح برای مدت کوتاهی فقر و بی نوائی را از این کشور بیست میلیون براندازد. «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

(۱) کسی ایراد نکند که متانت احکامی که از سیره پیغمبر اکرم (ص) و احادیث استخراج میشود مربوط باعجاز قرآن نیست، چون واضح است که خصوصیات و حدود زکوة و خمس و امثال آن، مانند کیفیت نماز و همدوش بانزول قرآن کریم بیان شده و تفسیر قرآن کریم است

۲- اسلام مقرر فرموده که هر کس که زراعت یا کسبی دارد پس از آنکه یکسال از فوائد کسب خود صرف مصارف لازمه یا غیر لازمه از قبیل مسافرت تفریحی یا مهمانی نمود ، یک پنجم از آنچه را که باقی مانده است باید در راه خدا بدهد ، نصف آن سهم سادات فقیر است که از گرفتن زکوة ممنوعند و نصف دیگر سهم امام علیه السلام میباشد که در این زمان در اعلاء دین مقدس اسلام و ابقاء فقه اسلامی صرف میشود .

۳- منافع زمین های معموری که مسلمانان بجنگ از کفار میگیرند باید صرف مصالح عمومی کشور اسلامی بشود .

در زمان بسط حکومت اسلامی مساحت زمینهای مزبور را ۳۶ میلیون جریب گفته اند (۱) که متجاوز از سه برابر مساحت فعلی اروپا است . ولی جرجی زیدان گفته است که متجاوز از دو برابر اروپا بوده است .

۴- مالیکه بدست کسی برسد و مالک آن مجهول باشد یا آنکه رد بمالک ممکن نباشد باید در راه خدا داده شود و علی الظاهر مصرف آن همان مصرف زکوة است .

۵- خداوند متعال غیر از سهم مبارک امام که در شماره دوم ذکر کرد اموال دیگری بامام مسلمین اختصاص داده است از این قرار :

الف - زمین معموری که بدون جنگ بدست مسلمین رسیده است ، مانند اراضی بنی النضیر که مورد آیات شریفه وارد در سورة حشر است (۲)
ب - اراضی و املاکی که مالکین آن بواسطه بعضی از سوانح

(۱) کتاب منتهی تالیف علامه حلی بنا بر نقل شیخ انصاری

(۲) بنا بر آنچه در تفاسیر است .

هلاک شدند .

ج - کلیه اراضی موات .

د - کرانه‌های دریاها و نهرهای بزرگ .

ه - کوهها و دره‌ها و ذخائر موجوده در آنها .

و - جنگلها .

ز - مال کسی که وارث ندارد .

ح - اموال منقول یا غیر منقولی که اختصاص به پادشاه کافر محارب داشته باشد

ط - اراضی که بدون اذن امام از کفار بواسطه جنگ گرفته شده

باشد (۱) .

گرچه اینها اختصاص با امام مسلمین دارد ؛ ولی ظاهر قسمتی از سوره

مبارکه حشر ما افاء الله علی رسوله من اهل القرى فله وللرسول ولذی القربی

والیتامی و المساکین و ابن السبیل کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم ،

این است که برای جلوگیری از تمرکز ثروت در بین بینیان امام

مسلمین مالی را که با او اختصاص دارد در مواردیکه در آیه شریفه ذکر فرموده

مصرف مینماید .

۶ - برای بعضی از نافرمانیهای عمده یا لغزشهای غیر عمدی جرمه‌هایی

بنفع بی‌نویان مقرر گردیده است که فقهارضوان الله علیهم در کتاب کفارات

ذکر فرموده‌اند .

۷ - آنچه در اینجا اشاره شد انفاقات واجبه است ، اما انفاقات مستحبه

از قبیل اوقاف عامه و وصایت‌ها ، که در هر زمان تأثیر مشهودی در رفاه حال

عامه داشته و دارد بر همه کس روشن و واضح است .

در پایان برای روشن شدن موضوع و رفع ابهام چند مطلب بیان میشود .
الف - کسانی که واجد فکر عمیق بوده و سطحی نیستند؛ بخوبی میفهمند، اینکه اسلام زکوة را بموارد نه گانه اختصاص داده نه از این لحاظ است که فی المثل برنج در جزیره العرب نبوده ؛ یا آنکه نعوذ بالله از اینکه بعداً موتور بجای شتر بکار می افتد بی اطلاع بوده است ، چون در جزیره العرب در همان وقت انار و انجیر بوده و خداوند متعال از زیتون که میوه پر منفعتی است اسم برده و سایر چهار پایان ، از قبیل اسب و الاغ نیز بوده اند و مردم فوائد دیگری از قبیل عوائد تجارت و بازار گائی نیز داشته اند ، ولی چون خداوند حکیم بیش از این مصلحت نمیدانسته ، لذا اکتفا بهمان موارد معهوده فرموده است .
والبته همین مقررات برای رفاه حال عامه و بالابردن سطح زندگی اقتصادی و اداره امور اداری جامعه مسلمین کافی است با اینکه این نکته نیز واضح است که مثلاً کسی که زراعت برنج دارد زکوة نمیدهد و باید خمس بدهد و مبلغی که چنین شخص بابت خمس میدهد البته بیش از آن مبلغی است که مرد زکوة دهنده می پردازد . خلاصه اگر آنکه خداوند میخواست از هر مالی زکوة داده شود همانطوریکه زکوة فطره رابطور مطلق در قوت غالب انسان قرار داده زکوة متعلق بمال را نیز در همه اموال مقرر میفرمود؛ چنانکه خمس بکلیه عوائدی که برای انسان حاصل میشود تعلق میگیرد .

ب - یکی از چیزهایی که مردمان اصلاح طلب در طی آمال و آرزوهای خود ذکر نموده و گاهی در جرائد نیز اشاره بآن میشود این است که قانون

مالیات باید طوری تنظیم شود که بردوش طبقه سوم و کسانی که با تلاش فوق العاده که درزندگی میکنند، بیش از ضروریات خود را واجد نیستند، نباید تحمیل شود، ولی متأسفانه در خیلی از کشورهای مالیات بر دوش طبقه سوم سنگینی میکند، بلکه عملاً در بعضی از ممالک طبقه متنفذ سرمایه داران نفوذ خود استفاده نموده و مالیات نمیدهند و در عین حال، بر صندوق ملت که از دسترنج بی‌نویان جمع آوری شده تحمیل بوده و از این سفره گسترده بی‌صاحب استفاده میکنند.

بعکس در دین مقدس اسلام مالیات ردوش طبقه فقیر نیست، زیرا عمده مالیاتی که در اسلام گرفته میشده است از اراضی خراجیه بوده که ابداً ربطی با اشخاص نداشته و متعلق به همه مسلمانان است. فربضه خمس چنانکه گفته شد پس از تأمین مخارج سالیانه است که باید یک پنجم از آنچه پس از تأمین مخارج سالیانه زیاد آمده است در راه خدا بتفصیلی که سابقاً ذکر شد داده شود. زکوة فطره بر عهده اشخاص بی‌نیاز است زکوة طلا و نقره بعد از گذشتن یازده ماه است که اگر کسی مثلاً بیست مثقال طلای سکه دار را در این مدت احتسار نمود و در این مدت با او معامله نکرد، باید مبلغی از آن را در راه خدا بدهد. بسایر چیزها نیز در موقعیکه مال بیک خدمت مخصوص برسد زکوة تعلق نمیگیرد؛ مثلاً اگر یک نفر حدود دو خروار و هشتاد و هشت من گندم را مالک باشد؛ باید زکوة آن را بدهد؛ بنا بر این زارعی که دارای عائله میباشد میتواند قبل از شروع در عمل مقدار افراد عائله مثلاً بنزد دو خروار و هشتاد من را بهر یک از آنها تملیک کند و برای هر یک دو خروار و هشتاد من برداشت نموده و ابداً زکوة ندهد بنا بر آنچه گذشت مالیات اسلام

بردوش فقرا نیست، ولی البته اگر آنان هم بخواهند ثواب انفاق در راه خدا را در یابند میتوانند بآن نهج مذکوره عمل نموده و زکوة بدهند و اگر در این صورت که زکوة میدهند خود نیز فقیر باشند؛ زکوة بآنان داده میشود بنابراین در شریعت اسلام موردی هست که باید مسلمان زکوة بدهد و بهمان شخص زکوة داده شود.

این حکم الهی در نظر اشخاصیکه باحکام و قوانین فقط بنظر تأمین امور مادی و گردیدن چرخهای اقتصادی متوجهند؛ بسیار عجیب است، ولی آن خدائیکه تمام شئون بشری را در نظر گرفته و تمام مراحل و منازل قافله وجود در کشور علمش حاضر است، میدانند که وجود انسانی غیر از خوراک و پوشاک، احتیاج بتربیت و تکمیل دارد. میدانند که باید این موجود بشری برای يك زندگانی جاوید و مرفهی که توأم با معنویات و ارتقاء نفسانی است، مهیا شود و اساس این تربیت عالی بر توجه بخداوند متعال و تحصیل آرامش نفسانی است که متکی به قدرت لا یتناهی باشد و این کمال نفسانی حاصل نمیشود، مگر باینکه انسان در تمام شئون زندگانی متوجه امر خالق بوده و با احترام فرمان او، عملی را انجام داده و با ترک کند. بنابراین اساس محکم، واضح است که انفاق کسیکه خود محتاج است، یکی از تربیتهای عالی اسلامی است که انسان را در هر حال متوجه بخدا نموده و در عین حال حس انفاق و عاطفه را در نهادش بیدار میکند و از لحاظ زندگی مادی نیز ضروری نکرده است.

خیلی عجیب است که ما ایرانیان با داشتن چنین قوانین و احکام مرفعی و بلندی، بدنبال بیگانگان رفته و برای اصلاح جامعه، از مغزهای فرسوده

و آلوده اهالی مغرب زمین استمداد و تقلید میکنند و باینکه با سهولت بپرکت قوانین اسلام میتوانند جامعه ایرانی را از هر جهت مرفه کنیم؛ از بیگانه تمنای اصلاح داریم .

در چند سال قبل که دولت ایران برای جلوگیری از تبلیغات حزب توده، بخیال خود در نظر داشت تعدیلی در روابط ممالک و زارع ایجاد کند، ابدأ توجیهی بقانون اسلام ننموده و عوض اینکه با گرفتن زکوة از مالکین و صرف در مصارف عامه و اصلاح امور زارعین بی بضاعت، سطح اقتصادیات را بالا ببرند، قانونی تصویب کردند که بموجب آن زارعین را وادار نمودند که مال حرام از ممالک بگیرند. خدا میداند که این عمل از جنبه اخلاقی؛ چقدر زیان بخش بود و چندان نفوذ بهم نداشت در صورتیکه اگر بحکم علماء زکوة از مالکین میگرفتند، خیلی بسرعت سطح زندگیشان بالا میرفت و تولید مفاسد اخلاقی هم نمیکرد. خلاصه آنکه در اسلام مالیات را بی نیازان می پردازند و در بسیاری از کشورها مالیات را همه مردم میدهند و در بعضی از کشورها عملاً مالیات بردوش فقر است و این خود یکی از مزایای عالی نظام اسلامی است که فقر را بدادن مالیات از قبیل خمس و زکوة الزام نفرموده؛ ولی در عین حال، فضیلت عبادت را از آنان نیز سلب نفرموده و آنان را مشمول استحباب اعطاء صدقات قرار داده است .

ج - تصور نشود که دادن زکوة یا خمس موجب میشود که گداز یاد شده و مردمان تنبل و تن پرور دنبال کسب و کار نرفته و از خمس یا زکوة استفاده کنند؛ زیرا کسی که قدرت دارد که بدست رنج خود، زندگانی سالیانه خود را تأمین کند؛ حق گرفتن زکوة یا خمس ندارد و زکوة

و خمس حق کسی است که بواسطه نقص بدنی نمیتواند کار کند، یا با آنکه تلاش میکند باز کسر معاش دارد. (۱)

د - مکرر شنیده‌ام کسانی که اطلاع وافی از فقه اسلامی ندارند؛ بر تشریح خمس ایراد نموده و میگویند: اگر یک سال تمام سرمایه دارها چه تجار و چه مالکین و چه صنعت‌گراها از قبیل مهندسیین و اطباء، یک پنجم عوائد خود را بسادات فقیر بدهند، برای سال دیگر سید فقیر نمیماند، پس تشریح خمس در صورت عمل، برای یک سال فائده دارد و برای سال دوم بی‌مورد است و اینک برای رفع اشتباه ترجمه عبارت شرایع در این مورد ذکر میشود: «امام (ع) سهم سادات را در بین سادات تقسیم نموده و اگر از آنها زیاد آمد؛ مال خود ایشان است» بنابراین آنچه از سهم سادات زیاد می‌آید؛ حکم سهم امام را دارد و اشاره شد که بعید نیست؛ ظاهر آیه شریفه وارد در سوره حشر که در صفحات قبل گذشت، آن باشد که امام (ع) سهم خود را در موارد مذکور در آیه تقسیم مینماید تا آنکه ثروت در اغنیا متمرکز نشود. (۲)

۵ - در احکام مالی اسلام، نکته مراعات شده که ممکن نیست قوانین مالی ملل مترقی هر قدر سطح آن عالی باشد، واجد چنین مزیتی باشد، چون در اسلام باید اعطاء زکوة یا خمس مقرون بقصد قربت خالص باشد و اگر دهنده حقوق دینی؛ نظری جز احترام امر حق تعالی داشته باشد؛ عمل او باطل است و آنچه داده است از بابت زکوة یا خمس حساب نمیشود مثلاً: اگر سهم سادات را بسید بدهد برای آنکه قربت و خویشاوندی دارد

(۱) - بکتاب شرایع باب زکوة رجوع شود.

(۲) کتاب شرایع باب خمس.

یا برای آنکه وجدان خود را با مساعدت بایک بی‌نوائی تسکین کند، یا برای ارادت با امام یا پیغمبر علیهم‌السلام بدون اینکه این اظهار ارادت را بحساب خدا بگذارد، یا نیمی برای امر خدا و نیم دیگر برای جهات دیگر باشد، در تمام این فروض آنچه داده اید از بابت خمس محسوب نخواهد شد و تصرف سید فقیر هم در این پولی که بعنوان خمس داده، ولی قصد قربت خالص نموده حرام است و پس از تصرف، ضامن خواهد بود.

و اگر حقوق اسلامی بقصد تظاهر و ریاداده شود، گذشته از اینکه باطل بوده و محسوب نخواهد شد، خود گناهی شبهه‌شک خواهد بود. این روش آسمانی گذشته از آنکه جامعه را از نظر جهات مالی و مادی مرفه می‌نماید، خود مکتب تربیتی صحیحی است که نوع بشر را از حسیض عالم ماده و مادیات تاعرش الهی ترقی داده و آنان را دنبال پیغمبر اکرم بمرافق ملکوت عروج میدهد، زیرا اگر انسان افکار و روحیات خود را با نیروی لایتنهای و جاوید مرتبط سازد، خود نیز جاوید و باقی بالله تعالی خواهد شد؛ ولی انسان خاکی تا اسپر خاکستان ماده است، نیروی لایتنهای خود را که باقی بالله تعالی است ادراک نمی‌کند و چون از این عالم ظلمانی پرواز نمود؛ چشم‌دانش باز شده و آنچه نادیدنی است آن بیند (۱) تا حدی که نیروی لایتنهای خود را ادراک نموده و میفهمد که دنیا جز خواب و خیالی بیش نبوده که از آن خواب بیدار شده است.

بروز مرگ چشم دل شود باز
بر افتد پرده و روشن شود راز
عیان گردد که آن جامه زانندود
هم از روز نخست از می‌تهی بود

(۱) فکشفنا عنک غطا تک بصرک الیوم جدید (سوره ق آیه ۲۱)

بجای می‌در آن خواب و خیالی امیدی حسرتی هجری و صالی
 کز آنهم شست باید عاقبت دست زهی میخانه و میخواره مست
 موضوع دوم که برای نمونه بمنظور اثبات متانت احکام اسلام در این
 اوراق بطور خلاصه و اجمال ذکر میشود سازمان عبادی اسلام است .
 سازمان عبادی اسلام امتیازات خاصی دارد که ذیلاً به بعضی از آنها
 اشاره میشود :

الف - چون روح بشری از جهات متعدده شایسته ترقی و تکامل
 بوده و طرق الی الله تعالی که وسائل تکامل است مختلف میباشد، در دین
 مقدس اسلام، بر طبق این اختلاف و تعدد جهات روانی، عبادات مختلفه تشریح
 گردیده تا آنکه انسان از نواحی مختلفه بکمال مطلوب برسد .

۱ - نماز قلب مسلمان را بخالق متعال متوجه نموده و مشتمل
 است بر حمد و ستایش و تکبیر و خضوع و نیایش و شهادت بر یگانگی
 و توحید و بر سالت حضرت محمد مصطفی (ص) و ضمناً بشر را در مقابل احترام
 نواهی الهی نسبت با جنتاب از غصب و عدوان و سائر نواهی تربیت مینماید .

۲ - روزه تمرین اراده انسان است در مقابل شهوات .

۳- عبادت مالی گذشته از لحاظ اقتصادی که مذکور شد با خصلت
 بخل مبارزه نموده و ملکه سخاوت را در انسان ایجاد می نماید، علاوه، حس رقت
 و عواطف بشری را نیز تحریک و وجدان انسان را بیدار میکند .

۴ - حج و زیارت خانه خدا انسان را از علاقه زن و فرزند و وطن و لباس رها نموده
 و بر اکثر آیات الهی و اول خانهای که برای پرستش حق بنا شد (۱) و مقام

(۱) ان اول بیت وضع للناس للذی بیکه مبارک و هدی للعالمین فیه آیات
 بینات مقام ابراهیم . (سوره آل عمران)

انبیاء عظام و پیر چم داران توحید ، از قبیل : ابراهیم و اسماعیل و حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وعلیهم اجمعین ، در آن میباشند بسیار میکند .

ب - یکی دیگر از امتیازات سازمان عبادی اسلام اجتماع در عبادات است همه مردم در يك ماه روزه میگیرند و در عبادات دیگر از قبیل نماز و حج نیز ، اجتماع و هم آهنگی منظور گردیده است . اجتماع عبادی اسلام از ده نفر و صد نفر و هزار و صد هزار نفر که در روز جمعه باید برای اقامه فریضه از شعاع دو فرسنگ در يك مرکز مجتمع شوند و يك میلیون و دو میلیون که در ایام حج در خانه خدا مجتمع میشوند تشکیل میگردد ، اجتماع برای يك هدف معین خصوصاً اگر مربوط بامور معنوی باشد فوائد زیادی دارد که بر هیچ کس پوشیده نیست .

ج - بعضی از عبادات اسلامی علاوه بر جنبه پرستش و ارتباط نفس با خدای عالم ؛ مشتمل بر هدایت و تبلیغ نیز می باشد ؛ مانند : نماز جمعه ؛ نماز عید فطر و عید قربان که خود امام خطابه غرائی خوانده و مؤمنین را موعظه میکند انضمام موعظه با عبادت متضمن يك نوع لطیفه روحانی است که بر خود پرستان و آنانی که در منجلا ب ماده غوطه ورنند مخفی و پنهان است (حیوان را خبر از عالم انسانی نیست) .

د - همانطوریکه روح بشری نیازمند پرستش اجتماعی بوده و این مکتب الهی کسب کمال مینماید و با مقایسه با سائر صلحا و سالکین الی الله نواقص خود را تکمیل نموده و از توجه و ارتباط اجتماعی آنان تحصیل ؛ نشاط میکند ، احتیاج دارد که خدای خود را در خلوت عبادت نموده و نشاط حاصل از اجتماع را در قالب اخلاص محض و بی شائبه ریخته و روح ضعیف خود را

با قدرت مطلقه مرتبط سازد .

و شاید باین منظور و غیر این ، سنت است که نوافل در منزل خوانده شود و نماز شب که وقت آن پس از نصف شب است از مستحبات مؤکده اسلام است در موقعیکه تاریکی همه جا رافرا گرفته و کسانیکه انسان را بی جا ستایش و یانکوش مینمایند و یا مانند شیطان درك و پوست او میروند همه چشم از این عالم بسته و بخواب رفته اند ، هر موجود ذی شعوری که تا اندازه شایستگی داشته باشد بهتر خود را شناخته و بنواخص و عیوب اخلاقی خود پی میبرد و در نتیجه از خداوند متعال طلب آمرزش نموده و از صمیم قلب توبه میکند . در این مکتب تربیت ملکوتی ، هر قدر انسان آلوده باشد باین دستورات روشن و نورانی منور خواهد شد . از این بیان مختصر تا اندازه حقیقت آیه شریفه سوره مزمل (۱) جلوه میکند که بنابر ظاهر عبادت شبانه را محکم ترین قدم در راه تکمیل سعادت انسانی ، معرفی میفرماید .

۵ - خداوند متعال در افراد انسان که بحسب ظاهر ضعیف و ناتوان

است ملیونها لیاقت و شایستگی ایجاد فرموده که بتدریج بمرحله ظهور و فعلیت میرسد . زیرا بشر است که کم کم کره خاکی را مسخر نموده و برای خود زندگانی مرفه و مجللانه تشکیل داده و سایر حیوانات را بر انداخته و فقط در باغ وحش با آنان تفریح میکنند و ممکن است بواسطه همین لیاقتهای نهفته و مخفی خود ، روزی بباید که کرات دیگر را نیز مسخر کند و چنانچه توجه بشر بیک جهت از جهات لیاقت خود معطوف گردید ، ابتدا آن جهت را از مرحله لیاقت و استعداد ، بفعلیت و تحقق خارجی مبدل میکند و پس از ممارست

(۱) ان ناشئة الليل هي اشد وطناً واقوم قیلا،

و مداومت بیشتری آنچه بتحقیق و فعلیت در آمده در نفس انسانی منقش گردیده و ثابت و غیر قابل زوال میشود، مثلا انسان استعداد فراگیر فتن صنعت بنائی دارد. چندی که این کار را دنبال کرد و ممارست نمود شغل مزبور را فرا میگیرد و اگر مدت بیشتری ممارست نمود؛ دیگر قابل زوال نخواهد بود و حتی خودش شخص بناهم نمیتواند این مهارت را از نفس خود زائل کند مرد بنائی که مثلا شصت سال بنائی نموده، دیگر بنائی را فراموش نخواهد کرد. بنا بر این مقدمه صحیح و اساسی، چون هدف انبیاء علیهم السلام مرتبط نمودن ثابت و غیر قابل زوال روح انسانی است با وجود لایقتهای من جمیع الجهات تا آنکه انسان دارای نفس مطمئنه (۱) شده و خود از حق خشنود و مورد پسندوی گردد از این لحاظ انسان باید در عبادت و توجه بحق متعال شب و روز ممارست و مداومت نموده تا بندهای ارتباط با خالق محکم و توجه بحق بصورت غیر قابل زوال نفس شود و در نتیجه انسان فانی خاک، ملکوتی گردیده و با ارتباط بحق سعادت مند و جاوید گردد. از بیان این حقیقت صحیح و غیر قابل انکار، سر لزوم تکرار عبادت در اسلام معلوم میشود زیرا واضح و روشن است که مرد مسلمانی که چهل سال شب و روز با احترام امر خدا نماز خوانده و هر سال برای امثال امر الهی زکوة یا خمس داده و ماه رمضان را روزه گرفته، دارای روحیه ثابتی است که هیچ گونه تزلزل در آن راه ندارد این دو موضوع (سازمان مالی و عبادی اسلام) برسم نمونه بطریق اختصار در این بحث مذکور آمد تا خواننده بداند که قانونگذار اسلام جز خداوند

(۱) الا بدكر الله تطامن القلوب (سورة رعد)،

يا ايها النفس المطمئنة ارجعي الى ربك راضية مرضية

متعال که احاطه کامل بجمیع شئون اجتماع بشری داشته و اطلاع تام بدقائق روح انسانی دارد؛ کس دیگری خصوصاً مردی که در مجتمعات منحط نشو و نما یافته، نیست. انسان خردمند با انصاف باید مانند کودک خردسالی که در کنف تربیت پدر پیر معرب و آزموده میباشد، از این قانون آسمانی بدون چون و چرا پیروی نموده و از این طرحی که خداوند متعال و حکیم مطلق برای تربیت بنی آدم ریخته بهره مند شده تا باعلی درجه کمال شایسته خود برسد (۱)

تا تمام

(۱) صیفة الله ومن احسن من الله صیفة ونحن له عابدون

کتابخانه مبارکه مدرسه فیضیه قم

